

فیلسوف، دانشمند، محقق، مورخ، آزاداندیش، معمار فکر، معلم اخلاق، انسان والا و متعهد اجتماعی از جمله ویژگی‌هایی است که تندیس فکری دکتر فریدون آدمیت را بر آن اساس می‌توان ریخت. فریدون آدمیت در عصر خود سفیر روشن‌اندیشی بود. پژوهش‌های عالمانه و صادقانه او حاوی دروس ارزنده و آموزنده‌ی بی‌استی است که نشان می‌دهد به حقیقت او خود «معمار اندیشه» است. از کنار تمام جفاها و آسیب‌هایی که بر او آمد و متأسفانه بخشی از تکرار حوادث ناگوار اجتماعی - سیاسی تاریخ معاصر بوده و از موانع راه جریان توسعه کشور ماست، به سلامت گذشت و منزه برای ثبت در بستر تاریخ جای باز کرد. گرچه ضربه‌ها پیش از آنکه به او کاری شوند، به پیکر علمی جامعه آسیب رسانید و با تأسف کشور را از دستاوردهای بیشتر علمی او محروم کرد.

در مقطع حیات بر مبانی و اصول ارزش‌ها و تمهد اجتماعی تعریف کرده برای خود وفادار ماند. او قدرت دفع نیاز داشت و با علم به این که «عمر برف است و آفتاب تموز» زیر فشار سنگلاخ زندگی استوار ایستاد و تسلیم نشد. تجسس در جریان تاریخ فکر مؤید آن است که حتی در فضای استبداد شدید و سرکوب اندیشه‌های نوجو در پیش از مشروطیت، افراد روشن‌اندیش توانسته‌اند تأثیر ژرفی در تحولات فکری جامعه و روند توسعه فرهنگی - اجتماعی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند. چه بسا بسیاری از

روشن‌اندیشان در این راه بهای سنگینی پرداخته‌اند. در فضای عقب‌ماندگی و خودکامگی، با مقابله توده‌های نادان، گروه‌های سرکوبگر، شیفتگان تنازع بقا و به طور کلی غلبه قدرت حکام خودمحور و مواضع فرهنگ آمرانه روبه‌رو بوده‌اند. بعضی زیر فشارهای اجتماعی و اقتصادی شکنجه دیده‌اند، به آزادی و حقوق فردی و اجتماعی آنها تجاوز شده. برخی مانند امیرکبیر جان خود را در راه خدمت و اشاعه روشن‌اندیشی گذاشته‌اند. در عین حال نمی‌توان منکر ثمره تأثیر روشن‌اندیشان در جریان توسعه اجتماعی و سیاسی شد، گرچه اثرات آن کند، منقطع و در درازمدت قابل رؤیت بوده باشد.

جریان توسعه زمانی جان می‌گیرد، که جامعه دامانش برای پرورش گلزار اندیشه باز باشد و گرنه ورزش در بی‌دانشی و گردش در شوره‌زار اندیشه رونق می‌گیرد، ذهن فرهیخته نمی‌شود و از تحول تکاملی خبری نخواهد شد.

فریدون آدمیت در پیشگفتار اثر اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی می‌نویسد: «از تحقیقات خود سه هدف دارم؛ نخست این که مقام حقیقی اندیشه‌گران ایران را تا زمان مشروطیت باز نمایم و تأثیر هر کدام را در تحول فکری جدید و تکوین ایدئولوژی نهضت مشروطیت به دست دهم. دوم اینکه اگر از دستم برآید در ترقی دادن تفکر تاریخی و تکنیک تاریخ‌نگاری نو در ایران کاری کنم و سوم این که نوآموزان بدانند در این مرز و بوم همیشه مردم هوشمند و آزاده‌خو بوده‌اند که صاحب اندیشه بلند بودند و به پستی تن در ندادند. از حطام دنیوی دست شسته و روح‌شان را به اربابان خودسر و نادان و ناپرهیزکار فروختند.»

فریدون آدمیت آزاداندیش بود، روی آزادی بیان و قلم تأکید داشت. در سی سال قبل در نشریه‌یی از جمله می‌نویسد: «به عنوان روشنفکر منفردی که منحصرأ به فلسفه سیاسی عقلی اعتقاد دارم و کمال فرد و تعالی جامعه را تنها در نظام دموکراسی می‌شناسم، آزادی قلم و بیان را از ارکان دموکراسی بلکه از پاسداران آن می‌دانم.» «آزادی قلم و بیان از جهات مختلف سلامت زندگی اجتماعی را تأمین می‌کند چون آزادی قلم و بیان خود از متعلقات آزادی ذهنی و اندیشه است؛ نفی آن به ترور عقاید می‌انجامد.»

«ماهیت قدرت و نحوه به کار بردن آن را آزادی قلم و بیان فاش می‌کند و از این جهت سد تجاوز قدرت سیاسی است.»

فریدون آدمیت اولین اثر تحقیقاتی‌اش امیرکبیر و ایران را در ۲۳ سالگی و به عنوان

رساله‌یی برای کسب دوره لیسانس دانشگاهی به انجام رسانید. اولین چاپ آن مربوط به سال‌های ۲۴-۱۳۲۳ است که در سال ۱۳۸۵ به چاپ نهم رسید. این اثر بدیع که از تاریخ اولین انتشار آن شصت و چهار سال می‌گذرد و در تهیه آن از روش تکنیک علمی مدرن استفاده شده، سمبل استعداد و خلاقیت پژوهشگر است که تا به امروز پایدار می‌درخشد. آخرین اثر ایشان تاریخ فکر است. در این پژوهش برجسته توجه او «به مطالعات تازه، آرای نو و تحقیقات جدید خاصه در چهل، پنجاه سال اخیر است که آرای پیشینیان را در سیر دانش و فکر و ماهیت بنیادهای سیاسی جامعه کهن دگرگون کرده است.»

این پژوهشگر آزاداندیش زمانی که مسؤولیت کار دیوانی را خیلی زود کنار گذاشت و وقت خود را منحصراً متمرکز به کارهای پژوهشی کرد، در مقدمه همان کتاب اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی نوشت: «اکنون که روی دل تنها به پرورش دانش و اندیشه دارم و بس فرصت نشر این رساله را مفتنم شمردم، از انتقادهایی که بر موازین نقد علمی بشوند البته خرسند خواهم شد. از آن که هیچ نوشته‌یی کمال مطلوب نیست و نیست اثری که انتقاد بر آن وارد نباشد، اما به انتقادهایی که بر پایه انتقاد علمی نباشند، اعتنایی ندارم.»

۲۳۶

آدمیت در عوامل تکامل استعداد علمی خود بر دو مقطع زمانی تأکید دارد؛ یکی دوران تحصیلات در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه لندن است. در آن فرصت ضمن تحصیل در تاریخ سیاسی و فلسفه سیاسی، دانش او از نتیجه آموختن مبانی نظری قوام یافت. دیگری دوران هشت ساله مأموریت در سازمان ملل متحد بود. در آنجا این فرصت برایش فراهم آمد که آموخته‌های دوران تحصیل را کاربردی کند. او خود این دو مقطع را مکمل یکدیگر دانسته و عملکرد آن را در کاربرد علمی آینده‌اش مثبت می‌بیند. فریدون آدمیت به عنوان نماینده ایران بیش از نیم قرن قبل واژه تعرض اقتصادی را تحت شاخه‌یی از تعرض‌های غیرمستقیم در کمیسیون خاص سازمان ملل متحد مطرح کرد:

«تعرض غیرمستقیم شامل مداخله در امور داخلی یا خارجی یک کشور می‌شود که از دیدگاه حقوق بین‌الملل چنین مداخله‌یی به منزله تهدید صلح و استقلال ملی است.»

در ارتباط با مفهوم تعرض اقتصادی نماینده ایران افزود: «تعرض اقتصادی یکی از مشخص‌ترین اشکال تعرض غیرمستقیم است و به واسطه تفاوت در امکانات اقتصادی دولت‌های گوناگون میسر می‌شود. عدم تساوی، کشورهای بسیار صنعتی را توانا می‌سازد که در کشورهای کمتر توسعه یافته بهره‌وری کنند، موجب فلج اقتصادی شوند و

ایدئولوژی فہضت مشروطیت ایران

مجلد فہضتیں

نوشته

فریدون آدمیت



پروشکاد علوم انسانی و مطالعات فرہنگی



انتشارات پیام

چاپ اول، تعداد ۵۵۰۰ نسخه

چاپ الفیت سروی

شماره ثبت: ۸۷۸ مورخ ۲۵۲۵/۷/۱۷

مستقیماً ثبات اقتصادی آنها را در معرض خطر قرار دهند. به همین واسطه استقلال کشورهای کمتر توسعه یافته را مورد تهدید قرار دهند. توسل به معیارهای اقتصادی و سیاسی توأم با زور علیه یک دولت چه مستقیم یا غیرمستقیم که جهت منع اعمال حاکمیت آن دولت بر منابع طبیعی یا کوشش‌های آن در جهت توسعه اقتصادی باشد، مهم‌ترین عامل در تعرض اقتصادی است.» این تز بازنمای واقعیت حیات اقتصادی سیاسی کشورهای در حال توسعه از مشرق زمین تا امریکای لاتین بود؛ کشورهایی که طعم تلخ استعمار مغرب زمین را چشیده‌اند و همواره مورد تعرضات گوناگون قرار گرفته‌اند.

در شخصیت اجتماعی آدمیت و مرتبط با تفکر آزادخواهانه این که به قول خودش در زندگی خصوصی حتی در دایره تنگ خانوادگی معتقد به رابطه قبیله‌یی نبود. سلیقه‌اش ارتباط اندیشه‌یی است. با آن که دست از قلم کشیده بود نزدیکانش را به حرکت در مسیر تحقیق و روشن‌اندیشی توصیه می‌کرد و می‌گفت: «حاصل پژوهش و اندیشه‌ها تأثیر عملی و فکری، هر دو خواهد گذاشت که ثمره عمر همین است و باقی خواهد ماند.»

برای نظرات دگرانديشان احترام قائل بود. براساس مفهومی که برای دموکراسی می‌شناخت و تعریف کرده بود، آرای عمومی را معیار سنجش می‌دانست. به اعتلای دانش، رونق اندیشه و ترقی کشورش دلبستگی داشت. برآمده از فلسفه فکریش، مشوق و محرک اشاعه ایدئولوژی اعتراض بود، اعتراض به تاریخ‌اندیشی. از تعرض بیگانگان سخت متنفر بود. در مقطع کوتاهی که کشور را ترک کرد و در انگلستان به ضرورت اقامت داشت و به سخنی می‌زیست حتی دعوت دانشگاه‌های انگلیس را برای مشارکت در کادر علمی رد کرد. معتقد بود حاضر نیست حقوق‌بگیر در کشوری باشد که سیاست دولت‌هایش در طول تاریخ معاصر بر ضد منافع ملی کشورش عمل کرده است.

آدمیت بالاخره خیلی زود و در زمانی که ذهن فرهیخته‌اش هنوز ظرفیت تولید بالایی داشت و جامعه ما سخت نیازمند آموزش از درس‌های جدید او بود، قلم را کنار گذاشت و ادامه تقبل مسؤلیت مدیریت باشگاه روشن‌اندیشی را به نسل‌های حال و آینده سپرد. از آن به بعد به درخواست‌های نزدیک‌ترین‌های خود برای ارائه نظر و نوشتن نشر کوتاه حتی در چند سطر هم جواب مثبت نداد. معتقد بود که تکرار را نمی‌پسندد. هر جمله‌اش در هر زمینه باید بدیع و محتوی فکر جدید باشد. اما در این رهگذر به درخواست دل خود هم برای ارائه اثر پژوهشی مستقل در روش تحقیقات تاریخی و نیز پژوهش در

تاریخ دیپلماسی نتوانست برسد، زیرا زمینه آسایش فکری برای این کار را نداشت. رساله کامل و منظمی در ارتباط با روش تحقیقات تاریخی در شاخه‌های مختلف از جمله تاریخ فکر برای استفاده دانش‌پژوهان این رشته به دست داده نشده است؛ زمینه‌یی که می‌توانست جهت پیشرفت فن تاریخ‌نگاری علمی و مدرن بسیار مؤثر باشد. فریدون آدمیت فرصت نیافت که این خلاء را در چارچوب اثری مستقل پُر کند؛ ضرورتی که از دیدگاه او برای پیشرفت تاریخ‌نگاری شرط لازم و بسی حائز اهمیت است. در عین حال گرچه فشرده ولی در جای جای آثارش، روش تحقیقات به کار گرفته در بررسی‌های خود را منعکس کرده است.

او این نظر را مطرح می‌کند که: «هر پژوهشی در تاریخ فکر باید آینه اندیشه تمامی دانایان باشد، خواه با آرای آنان موافق باشیم، خواه مخالف. به عبارت دیگر کار مورخ آنست که ماهیت افکار را به درستی بشناسد و بی‌کم و کاست عرضه بدارد و در عین حال خود نقاد فکر باشد». فریدون آدمیت ضمن تسلط به زمینه‌های مختلف تاریخ‌نگاری متخصص در پژوهش‌های تاریخ فکر است. قبل از آن آثاری متکی به روش تحلیل علمی در این زمینه نداشتیم.

از دیدگاه آدمیت «پایه تاریخ نویسی جدید را همان تاریخ تحلیلی و جامعه‌شناسی تاریخ و تفکر تاریخی تشکیل می‌دهد. پیشرفت آن منوط به تعلیم روش صحیح علمی مطالعه تاریخ و چگونگی بهره‌برداری از منابع تاریخ است.» او می‌افزاید: «باید اصول نقد و تحقیق تمام رشته‌های تخصصی تاریخ را جداگانه آموخت و در هر رشته‌ای به جریانهای تاریخی و عوامل اصلی سازنده آنها توجه داشت و تأثیر آن عناصر را در تطورات تساریخ سنجید.» رأی علمی او در روش تحقیق این است که، هر یک از شاخه‌های مختلف علم تاریخ از جمله تاریخ فکر فوت و فن و تکنیک خاص خود را دارد. در ارتباط با مطالعه تاریخ فکر باید عوامل متفاوتی را مدنظر داشت و تنها به تأثیر عامل مادی نباید بسنده کرد زیرا: «اندیشه و اندیشه‌گر هر دو زاده اجتماع‌اند، اما اندیشمند شخصیت فردی هم دارد و بالاخره مغز اندیشه‌آفرین فرد است که فکر را می‌پروراند.»

پژوهش در تاریخ فکر را به چند مرحله تقسیم می‌کند. مرحله اول بررسی وضعیت شخصی و خانوادگی صاحب اندیشه است. در پرورش منش آدمی علاوه بر جامعه، شرایط خانوادگی و وضع زندگی شخصی را مؤثر می‌داند و نتیجه می‌گیرد که «زندگی متفکران را باید با توجه به مجموع عوامل و تأثیرگذاری آنها بر یکدیگر مورد بررسی

مرحله دوم، نقد و تحلیل اندیشه‌هاست. در این مرحله باید به سه مطلب «زمینه فرهنگ اجتماع، سرچشمه اندیشه‌ها و عناصر سازنده فکری دانایان و تحول ذهنی آنان در گذشت زمان» توجه داشت.

مرحله سوم تأثیر فکر است در اذهان دیگران و در اجتماع. قابل توجه است که آدمیت از شروع اولین اثر پژوهشی اش امیرکبیر و ایران همین روش تحقیق را بکار برده است.

شرط لازم میزان موفقیت کار مورخ تاریخ فکر، بستگی به درجه تسلط او به شاخه‌های علم تاریخ‌نگاری دارد. علاوه بر آن آشنایی او به رشته‌های دیگر علوم از جمله فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، اقتصاد، حقوق، روابط بین‌الملل و... ضروری است.

مورخ تاریخ فکر با اشراف به علوم مختلف وضعیت اندیشه‌گر را از دوران کودکی مورد بررسی قرار می‌دهد. تأثیر شرایط خانوادگی و اجتماعی او را تجسس می‌کند. به تشخیص زمینه فرهنگ اجتماع و عناصر سازنده فکر دانایان می‌پردازد. تأثیر افکار را در اجتماع و پیدایش ایدئولوژی‌ها می‌سنجد و چون اهل سیاست هم روی ایدئولوژی‌ها می‌توانند تأثیرگذار باشند «لاجرم تاریخ‌نگار باید رابطه آن اصول و ایدئولوژی‌ها را در برخورد با اجتماع و با ماهیت شخصیت مجریان سیاست مورد تأمل قرار دهد.»

به نظر او تاریخ سیاسی و فلسفه سیاسی بطور مجزا مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در عین حال این دو بهم پیوسته‌اند زیرا، «جوهر فلسفه سیاسی مسأله ماهیت و تنظیم قدرت» و «جوهر تاریخ سیاسی مسأله بکار بردن قدرت» است. او تفکر تاریخی را عنصر اصلی تاریخ‌نویسی می‌داند. «کار مورخ گردآوردن واقعیات از هر قبیل و تلمبار کردن آنها به صورت خشکه استخوان در موزه آثار باستانی نیست». با این دید پژوهش‌های تاریخی را می‌توان به عملیات آزمایشگاهی تشبیه کرد که، پژوهشگر منابع مورد نظر را به عنوان مواد خام جمع‌آوری می‌کند، او باید توان تشخیص چگونگی بهره‌برداری از آنها را نیز داشته باشد تا بتواند زمینه تحلیلی برای رویدادهای تاریخی و پاسخگویی به سؤالات مشخص را بدهد.

آدمیت در ارتباط با بررسی‌های تاریخ مشروطیت به تشریح منابع و سنجش تاریخی آنها می‌پردازد و منابع کامل مورد استفاده را ارائه می‌دهد. به هر حال در دو اثر میرزا آقاخان کرمانی و ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران به روش تحقیق پرداخته شده که،

ماخذ ارزشمندی برای پژوهشگران بخصوص در رشته تاریخ می باشد.

فریدون آدمیت در عصر حاضر نماینده همان ویژگی هایی است که در پژوهش هایش مورد هدف قرار داده بود. نتایج یافته های تحقیقاتی او در مقطع بیش از ۶۰ سال گذشته، گنجینه برمایه بی است، محتوی روشمندی علمی، انتخاب راه استقلال و صداقت پژوهشی همراه با درس آموزنده بی در نفوذناپذیری، استواری و نبود لغزش و انحراف مصلحت خواهانه که این ویژگی ها، شاخص هویت روشن اندیشی و تعهد اجتماعی اوست. اندیشه ها و عملکرد فریدون آدمیت تأثیر علمی، سیاسی و اجتماعی آثار او در سطوح ملی و بین الملل خود زمینه وسیعی را برای پژوهش در حیطه توسعه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی فراهم می سازد. شناختن و شناساندن یافته های آن از ضرورت های زمان ما برای سرعت بخشیدن به تحولات اجتماعی است.

او که در طول حیات علمی همواره در هر کجا با طرح سؤالات خاص به جمع آوری منابع از گوشه و کنار جهان می پرداخت و معتقد بود مورخ باید خود صاحب اندیشه باشد. «به یک معنی تاریخ نگار واقعی معمار فکر است نه تنها مدرس افکار». زمانه برای این معمار برجسته اندیشه بستر لازم را فراهم نکرد تا هنر خود را در اوج مورد دلخواهش طراحی و ارائه کند. زود هنگام برنامه های پژوهشی باقی مانده و مورد نظرش را زمین گذاشت و کارگاه تولید اندیشه را تعطیل کرد. جامعه از آثار جدید فکر و قلم او محروم ماند؛ از آثاری که علاوه بر محتوای پر بار، آهنگ آرام بخش دارد و انگار هر بخش از نوشته هایش قطعه بی از سمفونی آزادی اندیشه را می نوازد.

گرچه بارها گفته بود «غروب زندگی رسید» و «پایان شب سخن سرایی است» و «مرگ سرنوشت محتوم آدمی است»، اما شکی نیست او ستاره بی است در آسمان اندیشه و به مفهوم واقعی آدمیت، که درخشش ابدی خواهد داشت.